



تاجر ژوئتمند در حالی که در اسارت آدم ربایان تهدید به قتل شده بود، پس از ۳ ماه اقدامات تخصصی پلیس نجات یافت.

بررسی‌های پلیسی نشان داد پسر کینه‌جو در جریان اختلاف مالی با تاجر برنج، او را با همدستی سه نفر دیگر در یک سناریوی از پیش طراحی شده از مقابل خانه‌اش در گلستان ربوده است.

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده‌ها / داستان‌های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و... هر روز در روزنامه ایران

تی‌ترها

پس از ۸ ماه سکوت صورت گرفت

اعتراف هولناک زن شوهرکش

زن شوهرکش پس از ۸ ماه سکوتش را شکست و پرده از راز مخوفش برداشت.

۱۶

شوهر جنایتکار دریا هنوز فراری است

وحشت مرگ بعد از نجات معجزه‌آسای یک زن

زن جوانی در درگیری خونین با شوهرش، گلویش بریده شد و معجزه‌آسا زنده ماند.

۱۸

دوربین‌های مدار بسته راز قاتل نقاب دار افاش کردند

قتل شوهر دوم بخاطر عشق قدیمی یک زن

مردی با نیت شیطانی شوهر یک زن را به قتل رساند.



۱۸

در دادگاهی که برای نزاع خونین پسران تشکیل شد چه گذشت؟

هر کدام دیگری را به قتل متهم کردند

سه پسر جوان که در جریان نزاع خونین باعث مرگ پسر دیگری شده بودند در دادگاه کیفری در حالی محاکمه شدند که هیچ کدام اتهام قتل را نپذیرفتند.

۱۶

مرگ دلخراش کودک ۴ ساله در تصادف با مادر

صدای ترمز وحشتناک و چند ثانیه بعد فریاد و ضجه زن جوان در شهرک والفجر افسر پیچید. رهگذران و همسایه‌ها به سمت این زن شتافتند و با کودک غرق در خون او که روی زمین افتاده بود مواجه شدند. یک نفر با اضطرار پشت سر هم می‌گفت که اورژانس را خبر کنید و یک نفر دیگر خیلی سریع شماره اورژانس را گرفت.

۱۸

نجات در لبه مرگ

مأموران پلیس به کمک مردم، زن جوان را که قصد داشت همراه نوزادش از بالای پل قدس به پایین بپرد و به زندگی خود پایان دهد، نجات دادند.

۱۶



اتاق درمان

کنکور سیاه مادر

بغض بزرگی راه گلویش را گرفته و صدایش به سختی در می‌آید. چشم‌هایش را به زمین دوخته و نگاه نمی‌کند. چند دقیقه طول می‌کشد تا بتواند حرف بزند.

۱۷

خواهر نیما کوچولو افشاگری کرد

معمای خانه نامادری

خانم دندانپزشک تهرانی قتل پسر ناتانی ۵ ساله‌اش را انکار می‌کند. به گزارش «ایران»، ۱۱ اسفند ماه سال گذشته رسیدگی به مرگ مشکوک پسر ۵ ساله‌ای به نام نیما در خانه شان واقع در یاقوت آباد در دستور کار محمد وهابی بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت. تحقیقات برای یافتن راز مرگ کودک خردسال در حالی ادامه پیدا کرد که ندا خواهر ۷ ساله نیما به بازپرس جنایی گفت: «روز گذشته نامادری‌ام در حال خانه تکانی قبل از عید نوروز بود که برادرم شیبتی می‌کرد و از روی رختخواب‌ها سر می‌خورد. نامادری‌ام عصیان‌گرا شد و با پشت دست به دهان نیما کوبید. یک ساعت می‌جی هم در دستش بود که به دهان برادرم برخورد کرد و لب او را زخمی کرد. همین باعث شد که نیما حال بدی پیدا کند. وقتی پدرم به خانه آمد و متوجه حال نیما شد گفت او را دکتر ببریم اما نامادری‌ام می‌گفت موضوع مهمی نیست و با دکتر رفتن برادرم مخالفت کرد. صبح روز بعد برادرم فوت کرد.»

حرف‌های ندا با صحبت‌های پدر نیما و نامادری او متناقض بود. پدر نیما می‌گفت که گمان می‌کرده فرزندش از پله‌ها سقوط کرده است اما نامادری می‌گفت که مدتی قبل نیما از تاب افتاده بود. بر اساس ادله به دست آمده نامادری به عنوان مظنون پرونده بازداشت شد و این در حالی بود که فرضیه اولیه علت مرگ کودک مصرف دارو اعلام شد اما پزشکی قانونی تاکنون نتیجه نهایی معاینات را اعلام نکرده است.

بعد از دستگیری زن جوان، پدر نیما در شعبه بازپرسی حاضر شد و از همسر خود اعلام شکایت کرده و خواستار رسیدگی به پرونده مرگ فرزندش برای روشن شدن راز ماجرا شد. صبح روز گذشته نامادری نیما بار دیگر در جلسه

بازجویی تحت تحقیقات قرار گرفت اما این بار هم اتهام قتل نیما را انکار کرد. رسیدگی به این پرونده تا روشن شدن راز ماجرا و اعلام نتیجه پزشکی قانونی در دستور کار بازپرس جنایی قرار دارد. در ادامه گزارش گفت‌وگو خبرنگار ما با متهم پرونده را بخوانید.

من قاتل فرزند خوانده‌ام نیستم!
در مورد اتهامات توضیح بده.

نزدیک دو ماه است که بی‌گناه در زندان هستم. اتهام قتل فرزند خوانده‌ام است اما من این اتهام را قبول ندارم.

چه شد که نیما فوت کرد؟

منی دانم من دو سه روزی بود که او را ندیده بودم. چند وقت بود با پدرش ازدواج کرده بودی؟

۲ ماه بود که با هم ازدواج کرده بودیم اما زندگی مان به صورت رسمی شروع نشده بود. شوهرم دو فرزند ۵ و ۷ ساله به نام‌های نیما و ندا داشت. من هم از ازدواج اولم یک دختر ۱۱ ساله دارم.

در این دو ماه به عنوان میهمان به خانه پدر نیما می‌رفتی؟

گاهی به خانه شان می‌رفتم و چند روزی می‌ماندم اما مشغله کاری باعث می‌شد که زیاد فرصت دیدار با شوهرم و بچه‌ها را نداشته باشم.

شغل چیست؟

من دانشجوی دندانپزشکی هستم و چون هنوز نظام پزشکی ندارم در مطب یک پزشک به صورت دستیار و دندانپزشک تجربی کار می‌کنم.

با پدر نیما چطور آشنا شدی؟

او به عنوان بیمار به مطب آمد و بعد از چند بار مراجعه رابطه آشنایی بین ما کلید خورد.

ارتباط با فرزندان او چطور بود؟

ارتباط خیلی خوبی داشتیم. هیچ مشکلی بین ما وجود نداشت. من یاد خترم در یک خانه اجاره‌ای

آتش سوزی بزرگ

در گورستان دارالسلام شیراز

علت آتش سوزی قبرستان تاریخی دارالسلام در شیراز اعلام شد.

علی محمد ابراهیمی در تشریح آتش سوزی قبرستان تاریخی دارالسلام گفت: به دلیل وجود پوشش گیاهی خاروخاشاک و علف‌های هرز در این قبرستان تاریخی، توسط معاندان علی محمد ابراهیمی، رئیس سازمان آرمستان‌های شهرداری شیراز، دیروز، ۲۳ اردیبهشت‌ماه در تشریح جزئیات آتش سوزی قبرستان تاریخی دارالسلام گفت: به دلیل وجود پوشش گیاهی خاروخاشاک و علف‌های هرز در این قبرستان تاریخی، توسط معاندان متجاهر آتش سوزی رخ داده است.

وی با بیان اینکه از قبل کوتاه کردن علف‌های هرز توسط پرسنل فضای سبز شهرداری انجام شده است، اظهار کرد: متأسفانه حضور معاندان در این آرامستان تاریخی موجب درگیری متصدان با نیروهای حراستی و حتی سرقت قبور شده که هم‌اکنون نیز شاهد حریق هستیم.

ابراهیمی تصریح کرد: بررسی تخصصی قبور توسط کارشناسان در حال انجام است، اما تاکنون به دلیل حجم کم حریق، آسیبی به قبور تاریخی وارد نشده است.

رئیس سازمان آرامستان‌های شهرداری شیراز در پاسخ به پرسش خبرنگار ایگنا مبنی بر متولی اصلی این آرامستان تاریخی چه نهادی است؟ گفت: آرامستان تاریخی دارالسلام دارای چند متولی نظیر اداره کل اوقاف و امور خیریه، میراث فرهنگی و شهرداری شیراز است که متأسفانه سهم مشارکت و همکاری بقیه ارگان‌ها در حد صورتجلسه مانده است، لذا نیازمند یک عزم جدی استانی برای سازماندهی این مکان ارزشمند و مهم هستیم.

وی ادامه داد: سازمان آرامستان‌های شهرداری شیراز در برنامه سال‌جاری خود سازماندهی قبرستان دارالسلام را در اولویت خود قرار داده که هم‌اکنون در مرحله انتخاب پیمانکار است. هادی عیدی‌پور، رئیس سازمان آتش‌نشانی شیراز نیز به تشریح جزئیات عملیات اطفای



این دانش‌آموز می‌افزاید: «همچنین در مسابقات انتخابی تیم ملی که در سنج برگزار شد، توانستم مدال طلا کسب کنم و به عنوان تنها نوجوان تیم ملی با سایر اعضا، راهی عجمان امارات شدم و توانستم در مسابقات آسیایی، دو مدال کسب کنم؛ نقره برای دست چپ و برنز برای دست راست.»

کارینا کریمی، در پایان می‌گوید: «دوست دارم در حوزه هلال احمر فعالیت بیشتری داشته باشم و از مسئولان می‌خواهم که در شامین دژ کلاس‌های حرفه‌ای‌تر هلال احمر هم برای علاقه‌مندان برگزار شود. ما چه خواهیم و چه نخواهیم، حادثه پیش می‌آید؛ ولی درست آن است که راه‌های مقابله با آن را یاد بگیریم.»

وقتی حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، نمی‌توانیم زمان را به عقب بازگردانیم؛ بنابراین باید کاری کنیم که شرایط بدتر از آنچه رخ داده، نشود و ما بر آن موضوع مسلط باشیم.»